

تحلیل رفتاری اعضای هیئت‌علمی دانشکده‌های علوم انسانی و اجتماعی در فرآیند

ارتقاء علمی^۱

محمد روشن^۲
مجتبی قاسمی^۳

چکیده

دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی نقش مهمی در تربیت نیروی انسانی ماهر و تولید فناوری دارند که دو عامل مهم رشد اقتصادی در کشورها هستند. نحوه جبران خدمات و ارتقاء درجه علمی اعضای هیئت‌علمی به عنوان مهم‌ترین نهاده در فرآیند تولید دانش و فناوری همواره در کانون توجه دست‌اندرکاران امر بوده است. دانشگاه‌های ایرانی نیز از این قاعده مستثنا نبوده و آئین‌نامه‌هایی برای ارتقاء اعضای هیئت‌علمی آن‌ها تصویب و برای اجرا ابلاغ شده است. آخرین آئین‌نامه موجود در این زمینه مصوب سال ۱۳۹۴ بوده و از مهر ۱۳۹۵ اجرای آن الزامی بوده است. اعضای هیئت‌علمی که فرض می‌شود رفتاری عقلایی دارند و به دنبال طی کردن فرآیند ارتقاء درجه علمی خود با حداقل سرعت ممکن هستند، با توجه به محدودیت و کمیابی منابع خود به مکانیسم انگیزشی حاصل از آئین‌نامه ارتقاء واکنش نشان داده و فعالیت‌های خود را بر مبنای امتیازات اعلامی در این آئین‌نامه تنظیم می‌کنند. واکاوی این رفتار و بررسی پیامدهای کلان آن هدف اصلی این مقاله است. تحلیل رفتار ارتقاء اعضای هیئت‌علمی با استفاده از آموزه‌های اقتصاد خرد حاکی از پایین بودن تمایل آن‌ها به چاپ مقالات در نشریه‌های معتبر بین‌المللی، عرضه کمتر آموزش در مقطع کارشناسی و عدم شرکت در کنفرانس‌های بین‌المللی خارج از کشور است. پیامدهای کلان این رفتارهای فردی منجر به عرضه روزافزون مجلات داخلی، افت کیفیت آموزش در مقطع کارشناسی و ازدواج دانشگاه‌های ایرانی در محافل علمی بین‌المللی شده است.

^۱. مقاله حاضر برگرفته از پژوهشی آزاد است که در سال ۱۳۹۷ به انجام رسیده است.

^۲. دانشیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران، مسئول مکاتبه، پست الکترونیک:

Drroshan2002@gmail.com

^۳. استادیار گروه حقوق و اقتصاد، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران، پست الکترونیک:

Mojtaba_ghasemi@sbu.ac.ir

واژگان کلیدی: رفتار عقلایی، ارتقاء علمی، آموزش، پژوهش

مقدمه و بیان مسئله

امروزه آموزش عالی نقش مهم و غیرقابل انکاری در فرآیند توسعه همه‌جانبه در جوامع مختلف بر عهده دارد. این نقش طفی گستردۀ از تربیت نیروی انسانی متخصص تا کمک به تصویب قوانین کاراتر، بهبود تکنولوژی و ... را در بر می‌گیرد. در اقتصادی که توسعه خود را بر محور دانایی قرار داده است، دانشگاه‌ها نقشی بی‌بدیل را در فرآیند توسعه بازی می‌کنند. به‌طور مشخص، دانشگاه‌ها می‌توانند با ارتقاء دانش نیروی انسانی و بهبود تکنولوژی موجبات افزایش بهره‌وری و رشد اقتصادی را فراهم آورند؛ و یا آنکه با تأثیر بر ساختار نهادی (اعم از نهادهای رسمی و غیررسمی) یک جامعه، ساختار مناسب برای توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را فراهم آورند. در ادبیات اقتصادی، این امر به‌منزله جابه‌جایی مرز امکانات تولید^۱ در یک اقتصاد است. در کنار این مفاهیم تقریباً ستی‌تر، امروزه مسئولیت اجتماعی^۲ دانشگاه‌ها نیز به دامنه نقش آنها در جامعه اضافه شده است. بیانیه جهانی آموزش عالی^۳ در سال ۱۹۹۸ را نیز می‌توان گواهی بر نقش مهم دانشگاه‌ها در فرآیند توسعه کشورها دانست. در بخشی از این بیانیه آمده است: "بدون وجود دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی که بازداده آن‌ها نیروی انسانی ماهر و آموزش دیده است، دستیابی به یک توسعه درونزا و پایدار امری ناممکن خواهد بود. این امر به‌ویژه برای کشورهای درحال توسعه و کمتر توسعه‌یافته که به دنبال کاهش فاصله خود با دنیای توسعه‌یافته‌تر هستند، امری حیاتی است".

دانشگاه و هر موسسه آموزش عالی را می‌توان به‌مثابه بنگاهی^۴ در نظر گرفت که با به‌کارگیری نهادهای تولیدی^۵ (اعم از زیرساخت‌های فیزیکی، کارکنان اداری و اعضای هیئت‌علمی و پژوهشگران) به تولید بازداده^۶ که همانا دانش است و در قالب نیروی انسانی متخصص و تکنولوژی نمود پیدا می‌کند می‌پردازد. هدف دانشگاه به‌عنوان یک بنگاه غیراتفاقی حداقل کردن میزان دانش است که به بیانی دقیق‌تر تربیت نیروی انسانی ماهرتر و معرفی فناوری‌های جدید و یا بهبود فناوری‌های موجود است. می‌توان گفت مهم‌ترین نهاده در فرآیند تولید دانش نیز اعضای هیئت‌علمی و پژوهشگران هستند که کیفیت آن‌ها تأثیری شگرف بر کیفیت بازداده دانشگاه (دانش) خواهد داشت. امروزه، نگاهی به دانشگاه‌های برتر جهان نیز گواه این ادعا است که اعضای هیئت‌علمی

۴. Production Possibilities Frontiers

۵. Social Responsibility

۶. World Higher Education Declaration

۷. Firm

۸. Inputs

۹. Output

آن‌ها مهم‌ترین نیروی محرکه دانشگاه در تولید دانش و تکنولوژی هستند. از این‌رو، نحوه جبران خدمات و ارتقای علمی^{۱۰} آن‌ها، به عنوان مهم‌ترین رکن تولید دانش، از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است و تمام دانشگاه‌ها در سرتاسر جهان از دستورالعمل‌های خاصی برای ارتقای اعضای هیئت‌علمی خود استفاده می‌کنند. دانشگاه‌های ایران نیز از این قاعده مستثنا نبوده و بر مبنای آئین‌نامه ارتقای ابلاغی توسط وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به بررسی عملکرد اعضای هیئت‌علمی و ارتقای آن‌ها مبادرت می‌ورزند.

در این مقاله به تحلیل و واکاوی آئین‌نامه ارتقای موجود در دانشگاه‌های ایران خواهیم پرداخت. تحلیل موجود در دو سطح خرد و کلان صورت خواهد گرفت. در سطح خرد، با این فرض که هدف اصلی اعضای هیئت‌علمی حداکثر کردن سرعت فرآیند ارتقای علمی است، به بررسی و تحلیل رفتاری اعضای هیئت‌علمی دانشکده‌های علوم انسانی و اجتماعی در این فرآیند می‌پردازیم. درواقع اعضای هیئت‌علمی مانند هر کنسرگر اقتصادی^{۱۱} دیگری با کمیابی در منابع خود (بهویژه زمان) روپرتو هستند و به دنبال تخصیص بهینه منابع کمیاب خود هستند. بخشی از محدودیت‌ها و قیودی که بر سر راه این بهینه‌سازی وجود دارد نیز از آئین‌نامه ارتقاء نشسته می‌گیرد. پرسش اساسی در این سطح از تحلیل آن است که مکانیسم انگیزشی ایجادشده توسط آئین‌نامه ارتقاء چه تأثیری بر رفتار اعضای هیئت‌علمی و به طور دقیق‌تر تخصیص منابع کمیاب آن‌ها دارد؟ در پاسخ به این پرسشن از آموزه‌های اقتصاد خرد^{۱۲} بهره خواهیم گرفت. در سطح کلان نیز به بررسی این پرسش می‌پردازیم که تجمعیع آثار رفتار و پاسخ‌داده شده توسط اعضای هیئت‌علمی به مکانیسم انگیزشی آئین‌نامه ارتقاء، چه اثراتی در سطح کلان بر آموزش عالی خواهد داشت؟ آیا این آثار همان است که مدنظر تنظیم‌کنندگان آئین‌نامه ارتقاء بوده است؟ هرچند مطالعاتی در زمینه تحلیل و نقد آئین‌نامه ارتقاء اعضای هیئت‌علمی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در ایران انجام شده است^{۱۳} که عمدهاً نقد بخش‌هایی از آن (از جمله آموزش و پژوهش) بوده است و یا بر تجربه زیسته اعضای هیئت‌علمی در فرآیند ارتقاء تمرکز داشته است. آنچه این مقاله را از سایر مطالعات انجام شده متمایز می‌سازد استفاده از ابزارهای تحلیل اقتصادی است که به نویسنده‌گان قدرت ارائه تصویری از تأثیر آئین‌نامه موجود را در دو سطح خرد و کلان فراهم کرده است، تصویری که کمک خواهد کرد تا

۱۰. Academic Promotion

۱۱. Economic Agent

۱۲. Microeconomics

^{۱۰}. برای مثال نگاه کنید به جاودانی (۱۳۹۵)، تونچی و همکاران (۱۳۹۳)، قاسمی و صالحی (۱۳۹۶)، کریمی موشقی و همکاران (۱۳۹۳)، محمدی دوستدار و میرحسینی (۱۳۸۷)، نوروزی و همکاران (۱۳۹۴)، محب زادگان و همکاران (۱۳۹۲)، علوی و قلی پور (۱۳۸۸)، باستانی و همکاران (۱۳۹۳)، عبداللهی (۱۳۹۰) سعادت طلب و همکاران (۱۳۹۳)، فاتحی و محمدی (۱۳۸۷) و خطیبان و همکاران (۱۳۹۳).

«ویژه نامه آئین نامه ارتقاء و ارتقای اعضای هیأت علمی در آموزش عالی ایران: مسائل، پیامدها و چالش‌های مرتبط»

سیاست‌گذاران و پژوهشگران این حوزه درک بهتری از نقش آئین نامه ارتقاء در آموزش عالی کشور داشته باشند. به باور نگارندگان، درک تصویر موجود از نقش آئین نامه ارتقاء در نظام آموزش عالی کشور گامی اساسی و مهم در زمینه طراحی یک نظام ارتقاء کاراتر است.

ادامه مقاله به صورت زیر خواهد بود: ابتدا در بخش دوم توضیح بسیار مختصراً درباره ساختار آئین نامه ارتقاء علمی اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور که در مرکز تحلیل و واکاوی این مقاله قرار دارد ارائه می‌شود. در بخش سوم با به کارگیری آزمون‌های اقتصاد خرد، رفتار اعضای هیئت‌علمی به عنوان مهم‌ترین نهادهای تولیدی دانشگاه را در مواجهه با مکانیسم انگیزشی ایجادشده توسط آئین نامه ارتقاء تحلیل می‌کنیم. در بخش چهارم با تجمعی رفتار تک‌تک اعضای هیئت‌علمی آثار کلان این آئین نامه را بررسی خواهیم کرد. جمع‌بندی و پیشنهادهایی نیز در بخش پایانی مقاله ارائه خواهد شد.

آئین نامه ارتقاء اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در ایران

آئین نامه ارتقاء به استناد به بند "ب" ماده ۲ قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و بند الف ماده ۱۶ برنامه پنجم توسعه مصوب مجلس شورای اسلامی و باهدف دستیابی کشور به جایگاه مناسب علم و فناوری توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی مصوب و برای اجرا توسط وزارت علوم به کلیه مؤسسات آموزش عالی، پژوهشی و فناوری دولتی و غیردولتی وابسته به وزارت علوم و سایر دستگاه‌های اجرایی و نهادهای عمومی کشور ابلاغ می‌شود و لازم‌الاجرا است. آخرین آئین نامه ارتقاء در تاریخ ۱۳۹۴/۱۲/۱۸ توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی مصوب و از تاریخ ۱۳۹۵/۷/۱ لازم‌الاجرا بوده است. جالب آنکه تنها بین سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۵ چهار آئین نامه ارتقاء با تغییرات کم‌وپیش جزئی به تصویب رسیده و ابلاغ شده است. البته آئین نامه مصوب در سال ۱۳۹۴ توسط وزارت علوم، قبل از اجرایی شدن توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی بلازیر اعلام و آئین نامه مصوب خود این نهاد در انتهای سال ۱۳۹۴ جایگزین آن شد.^{۱۴} شایان ذکر است که آئین نامه‌های مصوب در فاصله سال‌های مذکور شباهت‌های ساختاری بسیار زیادی با یکدیگر دارند. هر آئین نامه ارتقاء دارای چهار بخش اصلی است که به انواع فعالیت‌های صورت گرفته توسط اعضای هیئت‌علمی امتیازاتی را تخصیص می‌دهد. در ادامه ساختار آئین نامه ارتقاء به‌طور مختصر تشریح خواهد شد.^{۱۵} در این راستا

^{۱۴}. یکی از تغییرات مهم در آئین نامه مصوب سال ۱۳۹۴ وزارت علوم حذف کف امتیاز از ماده فرهنگی بود.

^{۱۵}. برای جزئیات بیشتر در مورد اهداف آئین نامه و بخش‌های مختلف آن، خوانندگان علاقمند می‌توانند به آئین نامه‌های ارتقاء مصوب مراجعه کنند.

آخرین آئین‌نامه موجود در این زمینه که از مهر سال ۱۳۹۵ لازم‌الاجرا بوده است موردنرسی قرار خواهد گرفت.

ماده ۱: فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و تربیتی

در این بخش از آئین‌نامه، به انواع فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی اعضای هیئت‌علمی که در راستای تائید آمیختگی علم و اخلاق اسلامی و مبتنی بر ترویج باورهای اعتقادی، ملی و مذهبی باشد امتیازاتی تعلق می‌گیرد. طبق آخرین آئین‌نامه ارتقاء موجود حداقل امتیاز اکتسابی از این ماده برای هر دوره ارتقاء ۱۰ امتیاز و حداقل آن نیز ۳۰ امتیاز است. البته هیچ‌یک از بندهای این ماده نیز دارای حداقل امتیاز اکتسابی نیست. صرف کسب حداقل ۱۰ امتیاز از مجموع بندهای این ماده برای ارتقاء در یک دوره کافی است.

ماده ۲: فعالیت‌های آموزشی

در این بخش از آئین‌نامه، به کمیت و کیفیت فعالیت‌های آموزشی صورت گرفته توسط اعضای هیئت‌علمی از جمله تدریس و راهنمایی پژوهه کارشناسی در پایان دوره تحصیل امتیازاتی تعلق می‌گیرد. حداقل امتیاز اکتسابی برای هر دوره ارتقاء در این ماده ۲۰ و حداقل آن نیز ۴۰ است. بند ۱ این ماده بر رعایت نظم و انصباط آموزشی اشاره دارد که خود دارای کف امتیاز ۵ برای هر دوره ارتقاء است. بند ۲ این ماده کیفیت تدریس را مدنظر قرار می‌دهد که به صورت ترکیبی از نمرات ارزیابی صورت گرفته توسط دانشجویان در چهار سال قبل از دوره ارتقاء و ارزیابی گروه و دانشگاه (با شیوه مورد تائید هیئت ممیزه) استخراج می‌گردد. برای ارتقاء به دانشیاری و استادی حداقل نمره اکتسابی از کیفیت تدریس باید به ترتیب ۱۶ و ۱۷ (از ۲۰) باشد. حداقل امتیاز اکتسابی از بند ۲ نیز ۸ امتیاز است. ضمن آنکه این بند با گذاشتن کف نمره ارزیابی برای کیفیت تدریس، خود می‌تواند مانع برای هر دوره ارتقاء باشد که فارغ از نحوه سنجش، حاکی از اهمیت کیفیت تدریس در فرآیند ارتقاء است. بند ۳ نیز کمیت تدریس را مدنظر قرار می‌دهد و حداقل و حداقل امتیاز اکتسابی از آن به ترتیب ۱۵ و ۳۰ است.

ماده ۳: فعالیت‌های پژوهشی و فناوری

این بخش از آئین‌نامه به ارزیابی فعالیت‌های پژوهشی اعضای هیئت‌علمی می‌پردازد که دامنه‌ای گسترده از فعالیت‌های مختلف اعم از چاپ مقالات در نشریه‌های معتبر علمی داخلی و بین‌المللی، تألیف، تصنیف و ترجمه کتاب، شرکت در کنفرانس‌های علمی ملی و بین‌المللی، مشارکت در کرسی‌های نظریه‌پردازی تا راهنمایی و مشاوره پایان‌نامه و رساله را در بر می‌گیرد. برخلاف دو ماده قبلی، امتیاز اکتسابی از این ماده سقف ندارد اما برای هر دوره ارتقاء یک کف امتیاز برای آن مشخص شده است. این امر حاکی از اهمیت بالای فعالیت‌های پژوهشی و فناورانه برای سیاست‌گذار آموزش عالی و نقش مهم دانشگاه در این راستا بوده است.

ماده ۴: فعالیت‌های علمی - اجرایی

مطابق آئین نامه ارتقاء، این ماده مجموعه‌ای از فعالیت‌های مبتنی بر مؤلفه‌های علم، دانش، پژوهش و فناوری که هدف آن تقویت مدیریت اجرایی و توسعه زیرساخت‌ها در حوزه‌های مرتبط است را در بر می‌گیرد. این ماده دامنه‌ای از فعالیت‌های مختلف از حضور فعال در موسسه تا برگزاری نمایشگاه، راهاندازی آزمایشگاه، تأسیس دانشگاه و مراکز علمی، مدیر مسئولی یا عضویت در هیئت تحریریه نشریه‌های علمی، ایفای مسئولیت در قوای سه‌گانه، ایجاد رشته‌های جدید و ... را در بر می‌گیرد. حداقل امتیاز اکتسابی از ۱۸ بند این ماده برای هر دوره ارتقاء ۱۰ امتیاز است که به نظر می‌رسد تمام آن از بند ۱ که ناظر بر حضور فعال و تمام وقت در موسسه و مشارکت در فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی و انجام سایر فعالیت‌های اجرایی است قابل حصول باشد. به این ترتیب، حداقل امتیاز اکتسابی از این بند که ۵ است نیز به دست خواهد آمد.

اعضای هیئت علمی برای ارتقاء به مدارج بالاتر با توجه به امتیازات داده شده به بندهای مختلف در مواد آئین نامه زمان کمیاب خود را به انواع فعالیت‌های مذکور در این مواد تخصیص خواهند داد. مطابق آئین نامه موجود، مجموع حداقل امتیاز اکتسابی از تمام مواد با رعایت حداقل‌های ذکر شده در مواد و بندهای مختلف برای ارتقاء به درجه دانشیاری و استادی به ترتیب ۱۲۰ و ۱۳۰ است. در واقع امتیازهای داده شده به بندهای مختلف در آئین نامه ارتقا را می‌توان به مثابه قیمت بازداده فعالیت‌های مشروح در این بندها دانست. با فرض آنکه اعضای هیئت علمی رفتار عقلانی دارند و به این امتیازات (قیمت‌ها) واکنش نشان می‌دهند، در بخش بعدی با کمک آموزه‌های علم اقتصاد خرد به تحلیل رفتاری اعضای هیئت علمی در فرآیند ارتقاء خواهیم پرداخت.

رفتار ارتقا: یک تحلیل خرد

در این بخش، از آموزه‌های علم اقتصاد خرد استفاده می‌شود تا تحلیلی از رفتار اعضای هیئت علمی در فرآیند ارتقاء ارائه شود. مطابق ادبیات مرسوم در اقتصاد خرد، در اینجا نیز فرض بر این است که عضو هیئت علمی دارای رفتار عقلانی^{۱۶} است. بدین مفهوم که با در نظر گرفتن منابع محدود خود (از جمله زمان) و قیودی که با آنها روبرو است به دنبال آن است تا با کسب حداقل امتیاز از انواع فعالیت‌هایی که در آئین نامه ارتقاء پیش‌بینی شده است، فرآیند ارتقاء را با حداقل سرعت ممکن طی کرده و به مدارج بالاتر علمی ارتقاء یابد. در این راستا، وی اقدام به هزینه-فایده^{۱۷} در انتخاب‌های خود جهت تخصیص منابع محدودش خواهد کرد. به این ترتیب، امتیازات داده شده در بندهای مختلف در آئین نامه ارتقاء را می‌توان به مثابه قیمت بازداده آن فعالیت‌ها در نظر گرفت که عضو هیئت علمی به آنها واکنش نشان می‌دهد. به طور دقیق‌تر، عضو هیئت علمی در عرضه

۱۶. Rational Behavior

۱۷. Cost-Benefit

فعالیت‌های مختلف که در آئین‌نامه آمده است به امتیاز داده شده به آن فعالیت توجه می‌کند که در واقع مشابه رفتاری است که بنگاه در عرضه کالاها و خدمات از خود نشان می‌دهد. به‌این‌ترتیب، در صورت ثابت بودن سایر شرایط^{۱۸} (از جمله زمان و انرژی لازم برای انجام یک فعالیت)، می‌توان انتظار داشت بر اساس رفتار عقلانی، عضو هیئت‌علمی فعالیتی را بیشتر عرضه خواهد کرد که امتیاز بیشتری نیز داشته باشد؛ بنابراین اگر دو فعالیت برای انجام به یک اندازه زمان، انرژی و تخصص نیاز داشته باشند، فعالیتی انتخاب خواهد شد که امتیاز بالاتری در پی داشته باشد. همان‌طور که اشاره شد، این رفتار دقیقاً مشابه رفتار عرضه بنگاه‌ها در بازار است که در پی حداکثر کردن سود^{۱۹} خود هستند. در مورد بنگاه‌ها، با افزایش قیمت و به شرط ثابت بودن سایر شرایط انتظار می‌رود که میزان بیشتری کالا توسط بنگاه عرضه شود. در ادامه با رویکرد انتخاب عقلانی^{۲۰} به تحلیل رفتار اعضای هیئت‌علمی در فرآیند ارتقاء به تفکیک ساختار ارائه شده در آئین‌نامه ارتقاء که توضیحات آن در بخش قبلی آمد می‌پردازم.

رفتار فرهنگی

همان‌طور که در بخش پیشین نیز اشاره شد، در ماده فرهنگی آئین‌نامه ارتقاء کسب حداقل ۱۰ امتیاز برای هر ارتقاء لازم است. در غیر این صورت عضو هیئت‌علمی از ارتقاء به مرتبه بالاتر بازخواهد ماند. حداکثر امتیاز اکتسابی از این ماده نیز ۳۰ است. به‌این‌ترتیب، با توجه به وجود امتیاز کف در این ماده، عضو هیئت‌علمی سعی خواهد کرد تا بخشی از زمان خود را به عرضه فعالیت‌هایی تخصیص دهد که در این ماده پیش‌بینی شده است. با توجه به این‌که هیچ‌یک از بندهای مذکور واجد حداقل امتیاز اکتسابی نیست، آنچه در انتخاب عضو هیئت‌علمی در این ماده اهمیت دارد، هزینه عرضه فعالیت‌های مزبور است. به عبارت دیگر، عضو هیئت‌علمی فعالیتی را در این ماده انتخاب خواهد کرد که اولاً امتیاز انتظاری آن بیشتر باشد و با هزینه کمتری نیز قابل عرضه باشد. بر اساس شهود می‌توان گفت اکثر اعضای هیئت‌علمی حداقل امتیاز مزبور را با شرکت در کارگاه‌های دانش‌افزایی (بند ۹) و استمرار در تقدیم و پایبندی به ارزش‌های دینی، فرهنگی، ملی و انقلابی (بند ۶) که با تأیید کمیسیون تخصصی که در همین ماده پیش‌بینی شده است به دست می‌آورند. مجری برگزاری این کارگاه‌ها نیز نهاد مقام معظم رهبری در هر دانشگاه است که موضوع آن‌ها نیز می‌تواند گاهی توسط خود اعضای هیئت‌علمی پیشنهاد گردد. به ازای هر ۱۶ ساعت آموزش ۲ امتیاز به شرکت‌کننده در این کارگاه‌ها تعلق خواهد گرفت. با توجه به این‌که سقف امتیاز اکتسابی در ماده فرهنگی ۳۰ است، اعضای هیئت‌علمی علاقه‌مند به عرضه فعالیت‌های مزبور در این ماده (که گاه ممکن است ناشی از رشتہ تحصیلی آن‌ها نیز باشد)، می‌توانند به جای تخصیص

۱۸. Ceteris Paribus

۱۹. Profit Maximization

۲۰. Rational Choice Approach

«ویژه نامه آینین نامه ارتقاء و ارتقای اعضای هیأت علمی در آموزش عالی ایران: مسائل، پیامدها و چالش‌های مرتبط»

زمان کمیاب خود به سایر فعالیت‌های پیش‌بینی شده در سایر مواد آئین‌نامه، به عرضه فعالیت‌های فرهنگی بپردازند.

عرضه آموزش (تدریس)

یکی دیگر از فعالیت‌های اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌ها که در فرآیند ارتقاء مورد ارزیابی قرار می‌گیرد، عرضه تدریس با کیفیت است. با توجه به وجود کف و سقف امتیاز اکتسابی در این ماده (که به ترتیب ۲۰ و ۴۰ است)، رفتار عقلایی ایجاب می‌کند که این کف و سقف در انتخاب‌های اعضای هیئت‌علمی در مورد میزان عرضه آموزش لحاظ گردد. با این ترتیب، مکانیسم انگیزشی این ماده آن است که اعضای هیئت‌علمی سعی خواهند کرد تا بخشی از زمان خود را به ارائه تدریس با کیفیت و منظم بپردازند. نکته دیگر و حتی مهم‌تر آنکه، اعمال کف امتیاز برای این ماده نشان از اهمیت تدریس با کیفیت در کل فعالیت‌های صورت گرفته توسط اعضای هیئت‌علمی آموزشی است. با در نظر گرفتن این نکته که ارتقاء به مرتبه دانشیاری مستلزم کسب حداقل ۱۲۰ امتیاز است، می‌توان گفت از نظر سیاست‌گذار انتظار می‌رود که حداقل یک‌سوم زمان استادیاران آموزشی^{۶۱} باید به تدریس با کیفیت و منظم تخصیص یابد. حداقل امتیاز مذکور برای ارتقاء از دانشیاری به استادی ۱۳۰ امتیاز است که به معنای تخصیص حداقل زمانی کمتر از یک‌سوم دانشیاران به عرضه آموزش با کیفیت و منظم است. تخصیص زمان بیش از میزان یادشده در هر دوره ارتقاء به تدریس صرفاً می‌تواند دارای جنبه‌های مادی باشد و از نظر رفتار بهینه ارتقاء قابل توجیه نیست. ضمن آنکه برآوردن نظر سیاست‌گذار در این ماده مستلزم افزایش نسبت استاد به دانشجو است تا با کاهش بار تدریس، اعضای هیئت‌علمی بتوانند زمان خود را صرف سایر مواد ارائه‌شده در آئین‌نامه ارتقاء نمایند. در عین حال انتظار می‌رود که اعضای هیئت‌علمی با علم به این موضوع که میزان بهینه تدریس حداقل باید یک‌سوم زمان آن‌ها را بگیرد، اگر به دنبال افزایش سرعت ارتقاء خود هستند باید از قبول بار تدریس زیاد خودداری نمایند. هرچند ممکن است این افراد در انتخاب میزان تدریس خود یا انتخاب مقاطعی که می‌خواهند در هر ترم در آن تدریس کنند، ملاحظات دیگری نیز داشته باشند که در ادامه به برخی از آن‌ها می‌پردازیم.

با توجه به این‌که بندهای مهم این ماده نیز (۳ بند اول) خود دارای کف امتیاز اکتسابی هستند، لحاظ این کف امتیازها نیز خود در رفتار عضو هیئت‌علمی نمود پیدا خواهد کرد که در ادامه به تفکیک به هر یک از جنبه‌های عرضه آموزش می‌پردازیم:

^{۶۱}. برای اعضای هیئت‌علمی پژوهشی این ماده کف امتیاز نداشته و سقف مجاز امتیاز اکتسابی نیز ۲۰ است؛ بنابراین انتظار می‌رود که حداقل یک استادیار پژوهشی یک‌ششم زمان خود را به ارائه تدریس با کیفیت و منظم تخصیص دهد.

نظم در تدریس: ۵ امتیاز از ۲۰ امتیاز کف اکتسابی در این ماده مربوط به عرضه منظم و بهموقع آموزش توسط عضو هیئت‌علمی است که وی آن را در انتخاب زمان‌بنای حضور در کلاس لحاظ خواهد نمود. هرچند در مواردی که مکانیسم‌های کترلی قوی برای نظارت این امر وجود نداشته باشد، افراد ممکن است از حضور بهموقع و منظم (با توجه به هزینه‌بر بودن آن) سر باز زنند.^{۲۲}

کیفیت تدریس: حداقل امتیاز اکتسابی در این آیتم ۸ است. نکته مهم‌تر در مورد کیفیت تدریس آن است که در صورت عدم کسب نمرات حداقلی در ارزیابی‌های مربوطه (۱۶ برای ارتقاء به دانشیاری و ۱۷ برای ارتقاء به استادی)، عضو هیئت‌علمی ممکن است از ارتقاء بازماند.

کمیت تدریس: امتیازی که به تدریس در مقاطع مختلف تحصیلی تعلق می‌گیرد متفاوت است. به هر واحد تدریس در دوره کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری به ترتیب ۱، ۱.۲۵ و ۱.۵ امتیاز تعلق می‌گیرد. امتیاز اکتسابی در هر نیم سال نیز نمی‌تواند بیش از ۵ باشد. به‌این‌ترتیب، به نظر می‌رسد تمام اعضای هیئت‌علمی (به‌ویژه استادیاران و دانشیاران) می‌توانند حداقل امتیاز را در هر نیمسال از کمیت تدریس کسب کنند. البته آنچه به نظر می‌رسد از اهمیت بیشتری برخوردار باشد ترکیب واحدهای اتخاذ شده در مقاطع مختلف تحصیلی است. به عبارت دیگر، تدریس در مقاطع تحصیلات تكمیلی (کارشناسی ارشد و دکتری) ویژگی‌هایی دارد که اعضای هیئت‌علمی را ترغیب می‌کند تا در صورت اختیار زمان خود را به تدریس در این مقاطع تخصیص دهند؛ اما این ویژگی‌ها چیست که ممکن است تدریس در مقاطع تحصیلات تكمیلی را جذاب‌تر کند؟

تدریس در مقاطع تحصیلات تكمیلی به اعضای هیئت‌علمی این فرصت را می‌دهد که بتوانند در قالب پایان‌نامه نیز دانشجویان را راهنمایی کنند. در این صورت، با توجه به بندهای ماده ۳، اعضای هیئت‌علمی نه تنها امتیاز مستقیمی از راهنمایی پایان‌نامه کسب خواهند کرد بلکه ممکن است از مقالات مستخرج احتمالی از این پایان‌نامه‌ها نیز امتیازاتی را کسب کنند.^{۲۳} به‌این‌ترتیب، با فرض ثابت بودن سایر شرایط، با توجه به بیشتر بودن امتیازهای مستقیم و غیرمستقیم حاصل از تدریس در مقاطع تحصیلات تكمیلی، اعضای هیئت‌علمی تمایل به عرضه بیشتر آموزش در مقاطع تحصیلات تكمیلی خواهند داشت. در این صورت طبیعی است که انتظار داشته باشیم که در گروه‌های آموزشی رقابت برای تدریس در دوره‌های تحصیلات تكمیلی نسبت به دوره کارشناسی

^{۲۲}. البته در یکی از پرسش‌های مربوط به فرم ارزشیابی تدریس از دانشجویان، حضور منظم و بهموقع نیز لحاظ شده است؛ بنابراین این امر بر ارزشیابی کیفیت تدریس نیز تأثیرگذار خواهد بود. (البته با وزنی بهمتر کمتر)

^{۲۳}. به نظر می‌رسد گذاشتن سقف برای تعداد دانشجویان کارشناسی ارشد هر ورودی جهت انجام پایان‌نامه با اعضای هیئت‌علمی نیز از همین منظر قابل توجیه باشد.

۱۰ / فصلنامه علمی پژوهشی آموزش عالی ایران* سال دهم* شماره اول* بهار، ۱۳۹۷

«ویژه نامه آئین نامه ارتقاء و ارتقای اعضای هیأت علمی در آموزش عالی ایران: مسائل، پیامدها و چالش‌های مرتبط»

بیشتر باشد. با فرض ثابت بودن شرایط، احتمالاً برنده این رقابت نیز اساتید باسابقه کاری بیشتر باشد که از قدرت چانه‌زنی بالاتری در انتخاب واحدهای خود برخوردار هستند.

به‌این ترتیب، در اینجا شاهد یک پیامد ناخواسته^{۲۴} ناشی از آئین نامه ارتقاء خواهیم بود: عدم تمایل اساتید باسابقه که به دنبال ارتقاء علمی خود هستند به تدریس در مقطع کارشناسی کمتر خواهد شد. به عبارت دیگر، به فرض ثابت بودن سایر شرایط، اساتید مذکور تمایل به عرضه بیشتر آموزش در مقاطع تحصیلات تکمیلی را خواهند داشت. به‌این ترتیب در اثر مکانیسم انگیزشی ایجادشده توسط آئین نامه ارتقاء، با فرض آنکه اعضای هیئت‌علمی باسابقه بیشتر قادر به عرضه آموزش با کیفیت بالاتر باشند، انتظار می‌رود که کیفیت آموزش در مقاطع کارشناسی پایین بیاید. در صورت صحت این پیش‌بینی، کیفیت منابع انسانی آموزش داده شده در دانشگاه‌ها با افت همراه خواهد بود که این به معنای عدم دستیابی دانشگاه به یکی از مهم‌ترین اهداف خود، یعنی تربیت نیروی انسانی ماهر است که می‌تواند آثار ضد توسعه‌ای نیز به همراه داشته باشد. حتی دانشجویانی که قصد ورود به بازار کار را نداشته باشند، در صورت ادامه تحصیل به دلیل عدم عرضه آموزش با کیفیت در مقاطع کارشناسی از کیفیت پایین‌تری برای انجام پژوهش برخوردار خواهند بود که البته به معنای کاهش کیفیت پژوهش در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری در آینده نیز خواهد بود.

عرضه پژوهش

آئین نامه ارتقاء در پی آن است تا با ایجاد مکانیسم انگیزشی مناسب، اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌ها را تشویق کند تا به عرضه پژوهش و فعالیت‌های فناورانه پردازند. با توجه به این که هدف مقاله تحلیل رفتاری اعضای هیئت‌علمی در دانشکده‌های علوم انسانی و اجتماعی است، بندهای مربوط به فعالیت‌های نوآوری و فناوری که بیشتر مربوط به رشته‌های غیر علوم انسانی و اجتماعی است مورد تحلیل قرار نمی‌گیرند. سیاست‌گذار آموزش عالی در ایران، با توجه به دغدغه‌های مربوط به رشد علمی در کشور برای امتیازات اکتسابی از عرضه پژوهش در مجموع سقفی در نظر نگرفته است. هرچند برای هدایت هدفمند اعضای هیئت‌علمی به فعالیت‌هایی که به‌زعم سیاست‌گذار برای رشد علمی در کشور ضرورت بیشتری دارند، در برخی از بندها نیز سقف امتیاز قرار داده است.

به‌منظور تشویق اعضای هیئت‌علمی به تولید و عرضه مقالات علمی-پژوهشی در نشریه‌های معتبر داخلی و خارجی که به‌زعم سیاست‌گذار به نظر می‌رسد مهم‌ترین محصول پژوهش هستند، سقف امتیاز برای این بند در نظر گرفته نشده است. درواقع، این تنها بندی از ماده ۳ آئین نامه ارتقاء است که سقف امتیازی ندارد که حاکی از

تحلیل رفتاری اعضای هیئت‌علمی دانشکده‌های علوم انسانی و.../^{۱۱}

اهمیت بالای چاپ مقالات علمی-پژوهشی برای سیاست‌گذار آموزش عالی در ایران است. با توجه به اهمیت این بند در ماده ۳ آئین‌نامه ارتقاء، در این بخش به طور تفصیلی به تحلیل رفتاری اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌ها در پاسخ به مکانیسم انگیزشی ایجاد شده توسط آن می‌پردازیم.

چاپ مقالات در نشریه‌های معتبر داخلی و خارجی

همان‌طور که اشاره شد، امتیاز‌های اعلام شده در بند‌های آئین‌نامه ارتقاء به سان قیمتی است که حاکی از ارزش آن محصول است. اعضای هیئت‌علمی که عقلانی رفتار می‌کنند نیز به این مکانیسم امتیازدهی (قیمت‌ها) واکنش نشان می‌دهند. در بند ۱ ماده ۳ آئین‌نامه امتیاز داده شده به چاپ مقالات در نشریه‌های معتبر داخلی و خارجی تا تعیین شده است. به عبارت دقیق‌تر، حداقل امتیاز تعلق‌گرفته به یک مقاله چاپ شده در نشریات علمی داخلی و خارجی ۷ است. به این ترتیب، به نظر می‌رسد سیاست‌گذار آموزش عالی در ایران با یکسان در نظر گرفتن ارزش تقریبی چاپ مقاله در نشریات معتبر داخلی و خارجی در ایجاد انگیزه لازم در اعضای هیئت‌علمی برای عرضه مقالات در نشریه‌های خارجی معتبر ناکام مانده است. درواقع، عضو هیئت‌علمی باید منابع کمیاب خود را به تولید و چاپ مقالات اعم از داخلی و خارجی تخصیص دهد. ناگفته پیداست که هزینه (زمان، انرژی و تخصص) چاپ مقاله در یک نشریه معتبر خارجی به طور معناداری بسیار بالاتر از چاپ مقاله در یک نشریه معتبر داخلی است؛ اما اختلاف داده شده به آن‌ها چندان معنادار نیست که بتواند تفاوت هزینه‌ای مذکور را پوشش داده و انگیزه کافی برای تلاش برای چاپ مقاله در نشریات معتبر خارجی را ایجاد نماید. در بهترین حالت امتیاز داده شده به مقاله چاپ شده در بهترین نشریه خارجی یکرشته تخصصی مانند حقوق (مثلاً نشریه حقوقی دانشگاه هاروارد^{۲۰}) ۷ خواهد بود. حال آنکه امتیاز داده شده به مقاله چاپ شده در یک نشریه داخلی علمی-پژوهشی می‌تواند به طور مثال ۵ باشد. یک عضو هیئت‌علمی با رفتار عقلانی که به دنبال حداقل کردن سرعت فرآیند ارتقاء با کمترین هزینه ممکن است، بسیار بعدی به نظر می‌رسد که با این مکانیسم امتیازی منابع خود را صرف تلاش برای چاپ مقالات در نشریه‌های معتبر خارجی نماید که مستلزم صرف زمان و انرژی بیشتری است و احتمال پذیرش آن نیز به طور معناداری نسبت به نشریه‌های فارسی‌زبان کمتر است.

در چنین فضایی حتی افرادی که توانمندی و تخصص کافی برای چاپ مقالات در نشریه‌های معتبر خارجی را دارند، بسیار بعد است اقدام به این کار کنند مگر آنکه انگیزه‌هایی خارج از فرآیند ارتقاء برای خود داشته باشند. البته با توجه به محدودیت منابع و هدفی که عضو هیئت‌علمی برای خود تعریف کرده است (طی کردن فرآیند ارتقاء با حداقل سرعت ممکن) پیگیری اهداف دیگر نیز خود دارای هزینه فرصت^{۲۱} بوده و از منظر رفتار ارتقاء، یک رفتار غیر بهینه تلقی خواهد شد.

۲۰. Harvard Law Review

۲۱. Opportunity Cost

«ویژه نامه آینین نامه ارتقاء و ارتقای اعضای هیأت علمی در آموزش عالی ایران: مسائل، پیامدها و چالش‌های مرتبط»

به نظر می‌رسد که به دلیل مکانیسم انگیزشی ایجادشده در این بند است که حتی اعضای هیئت‌علمی دانشکده‌های علوم انسانی و اجتماعی که از بهترین دانشگاه‌های جهان در رشته خود فارغ‌التحصیل شده‌اند، علیرغم وجود توانایی و تخصص دیگر تمایلی به چاپ مقاله در نشریات معتبر خارجی ندارند. رفتار عقلایی ایجاب می‌کند که افراد محصولی را که قیمت تمام‌شده بالا و قابل توجهی دارد اما به قیمت نازلی خریداری می‌شود را تولید نکنند. به این ترتیب، با امتیازهای اعلامی در بند ۱ ماده ۳ برای چاپ مقالات در نشریه‌های داخلی و خارجی، رفتار عقلایی ایجاب می‌کند که افراد در صورت نبود اجباری در قالب تبصره^{۷۷} در مورد چاپ مقاله در نشریه‌های معتبر خارجی، تمام منابع خود را صرف چاپ مقاله در نشریه‌های داخلی نمایند.

به نظر می‌رسد ریشه‌ی این امر را باید در رشته تحصیلی و تخصص تنظیم‌کنندگان آینین‌نامه‌های ارتقاء جستجو کرد. در واقع، یکی از بزرگ‌ترین نقاط ضعف آینین‌نامه موجود یکسان در نظر گرفتن فرآیند پژوهش و خروجی – های آن برای تمام رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی و غیرازآن (علوم پایه، فنی و مهندسی و ...) است. فضای غالب بر آینین‌نامه موجود نیز به نظر می‌رسد تا حد قابل توجهی متأثر از فرآیند پژوهش و چاپ مقاله در رشته‌های پژوهشکی، علوم پایه و فنی بوده است. به نظر می‌رسد فرآیند چاپ مقالات به زبان انگلیسی برای پژوهشگران رشته‌های مذکور نسبتاً امری معمول و مرسوم است. گواه این مطلب نیز آن است که در میان ۱۲۷ نشریه علمی ایرانی که در سال ۲۰۱۵ در پایگاه علم‌سنگی بین‌المللی اسکوپوس^{۷۸} نمایه شده‌اند، فقط یک نشریه در حوزه علوم انسانی بوده است و سایر نشریه‌ها مربوط به رشته‌های علوم پایه، فنی و مهندسی و علوم پژوهشکی بوده‌اند.^{۷۹} به طور مشابه در میان ۶۰ نشریه ایرانی که در پایگاه علم‌سنگی تامسون رویترز^{۸۰} (ISI) در همین سال نمایه شده‌اند، هیچ نشریه‌ای از علوم انسانی و اجتماعی به چشم نمی‌خورد.

سیاست‌گذار آموزش عالی با تأثیر از چنین فضایی آن را به علوم انسانی نیز تعمیم داده است که در واقع یک اشتباه راهبردی است. غافل از آنکه پژوهش و چاپ مقاله در علوم انسانی و اجتماعی هم از نظر ماهوی و هم

^{۷۷}. به عنوان نمونه، تبصره ۱۲ بند ۱ ماده ۳ در آینین‌نامه ارتقاء مصوب سال ۱۳۹۴ که بعدها توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی بلااثر گردید، چاپ یک مقاله به یکی از زبان‌های خارجی رایج را برای هر دوره ارتقاء الزامی کرده بود. ظاهرآ این رویه هنوز نیز به طور ضمنی در بسیاری از دانشگاه‌های ایران توسط مدیریت امور هیئت‌علمی اعمال می‌گردد.

^{۷۸}. Scopus

^{۷۹}. تنها نشریه علوم انسانی موجود در این لیست Iranian Economic Review است که توسط دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران منتشر می‌شود.

^{۸۰}. Thomson Reuters

تحلیل رفتاری اعضای هیئت‌علمی دانشکده‌های علوم انسانی و...^{۱۳}

از نظر شکلی کاملاً با علوم پایه و مهندسی متفاوت است.^{۳۱} به این ترتیب، سیاست‌گذار در بند ۱ ماده ۲ با تأثیرپذیری اشتباه از علوم پایه، پژوهشی و فنی نتوانسته است برای علوم انسانی بدروستی قیمت نسبی مقالات چاپ شده در نشریه‌های داخلی و خارجی را تعیین نماید و با ارزش‌گذاری بسیار پایین مقالات چاپ شده در مجلات معتبر خارجی و بدون در نظر گرفتن فرآیند هزینه‌بر این امر، عملاً منجر به این شده است که اعضای هیئت‌علمی بخش بسیار قابل توجهی از منابع خود را صرف چاپ مقاله در نشریه‌های علمی داخلی نمایند. نگاهی به رزومه اعضای هیئت‌علمی در دانشکده‌های علوم انسانی و اجتماعی نیز این مطلب را تائید می‌کند. به این ترتیب، با توجه به تمایل شدید اعضای هیئت‌علمی دانشکده‌های علوم انسانی و اجتماعی به چاپ مقاله در نشریه‌های علمی داخلی، شاهد آن هستیم که تعداد این نشریه‌ها نیز در سال‌های اخیر با سیری صعودی و قابل توجه همراه بوده است. شکل ۱ تعداد نشریه‌های فارسی زبان مورد تائید وزارت علوم را برای رشته‌های منتخب دانشگاهی در سال‌های ۹۲ و ۹۷ نشان می‌دهد.^{۳۲} درواقع، پایین بودن قیمت نسبی و بالا بودن هزینه نسبی چاپ مقاله در نشریات علمی معتبر خارجی انگیزه چاپ این مقالات را در علوم انسانی و اجتماعی به طور کامل از بین برده است و نتیجه آن عرضه زیاد نشریات علمی فارسی زبان شده است که این امر به وضوح در شکل ۱ پیداست. مقایسه رزومه اعضای هیئت‌علمی در دانشکده‌های علوم انسانی و اجتماعی با رشته‌های فنی و علوم پایه نیز این امر را تائید خواهد کرد.

علاوه بر این، به نظر می‌رسد آئین‌نامه دوره دکتری که به دنبال ساماندهی به پژوهش در دوره دکتری بوده است نیز بر افزایش عرضه نشریات داخلی دامن زده است. در این آئین‌نامه، اخذ مجوز دفاع از رساله دکتری منوط به پذیرش مقاله علمی-پژوهشی مستخرج از رساله شده است.^{۳۳} در بسیاری از رشته‌های علوم انسانی، نظر به این‌که چاپ مقالات در نشریات معتبر خارجی زمان بر^{۳۴} و مستلزم تخصص بیشتر است که البته ممکن است از

^{۳۱}. به عنوان مثال، حجم مقالات علوم پایه و فنی مهندسی در بسیاری از موارد کمتر از ۱۰۰۰ کلمه است، حال آنکه در مقالات علوم انسانی مانند اقتصاد و حقوق، به طور متوسط حجم مقالات نوشه شده بیش از ۷۰۰۰ کلمه است.

^{۳۲}. تعداد این نشریات برای سال ۹۲ تا پایان مهر و برای سال ۹۷ تا پایان اردیبهشت است. برای مطالعه بیشتر در این زمینه رجوع کنید به پایگاه ارزیابی مجلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری: <http://journals.msrt.ir>.

^{۳۳}. برای مثال، نگاه کنید به ماده ۸ آئین‌نامه دوره دکتری مصوب سال ۱۳۸۹ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

^{۳۴}. دانشجویان دوره دکتری روزانه در صورت افزایش سال‌های تحصیلی خود ممکن است مجبور به پرداخت شهریه ثابت شوند و در صورت ادامه روند حتی ممکن است با خطر اخراج نیز رویرو شوند. به این ترتیب، سرمایه‌گذاری دانشجو برای نوشتن یک مقاله انگلیسی و اخذ پذیرش از یک نشریه معتبر بین‌المللی با ریسک بالایی برای وی همراه خواهد بود. به همین دلیل اغلب دانشکده‌های علوم انسانی به دنبال تغییر رویه کنونی برای دانشجویان دوره دکتری خود بوده‌اند. نقد آئین‌نامه دوره دکتری خود مستلزم بررسی بیشتر است که در مقال این پژوهش نمی‌گنجد.

توان دانشجوی دوره دکتری نیز خارج باشد، در بسیاری از دانشگاهها اخذ پذیرش از نشریات علمی-پژوهشی فارسی زبان نیز برای اخذ مجوز دفاع از رساله تبدیل به رویه شده است که این امر به معنای عرضه بیشتر مقالات به زبان فارسی است. به نظر می‌رسد بخشی از افزایش تعداد نشریات فارسی طی سال‌های ۹۲ تا ۹۷ نیز خود متأثر از همین آئین نامه مربوط به دانشجویان دوره دکتری بوده است. شکل ۲ درصدی از نشریات فارسی زبان مورد تائید وزارت علوم را در رشته‌های علوم انسانی در سال ۹۷ را نشان می‌دهد که از سال ۸۹ به بعد مصوب و فعالیت خود را با تائید این وزارتخانه آغاز کرده‌اند. بهاین ترتیب، مکانیسم انگیزشی موجود در آئین نامه ارتقاء و عدم امتیازدهی متناسب بالازش محصول (مقاله معتبر خارجی) منجر به تخصیص منابع در جهت افزایش عرضه نشریات داخلی در کشور شده است.

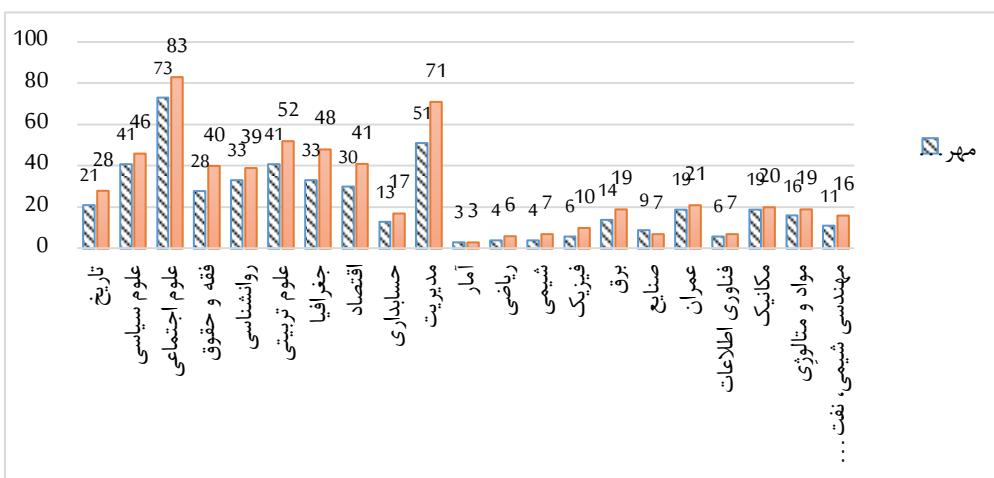
علاوه بر موارد مذکور که همگی در جهت افزایش چاپ مقالات در نشریات فارسی زبان بوده است، در تبصره-ای از بند ۱ ماده ۳ آئین نامه ارتقاء، به‌طور مشخص چاپ حداقل یک مقاله به زبان فارسی برای هر دوره ارتقاء نیز برای اعضای هیئت‌علمی الزامی شده است. در مقابل، در آخرین آئین نامه ارتقاء موجود که اجرای آن از مهر ۱۳۹۵ الزامی شده است، هیچ تبصره‌ای در مورد الزام چاپ مقاله به زبان‌های رایج بین‌المللی وجود ندارد. حال آنکه در آئین نامه مصوب سال ۹۴ که هیچ گاه اجرایی نشد، چنین الزامی برای چاپ حداقل یک مقاله به یکی از زبان‌های رایج بین‌المللی پیش‌بینی شده بود. در آئین نامه کنونی، سیاست‌گذار جهت تشویق اعضای هیئت‌علمی به چاپ مقالات در نشریات معتبر خارجی دو تدبیر اندیشیده است. افزایش امتیاز مقاله مشترک با اعضای هیئت‌علمی مراکز علمی معتبر خارج از کشور تا ۱.۲ برابر و دادن امتیاز دو برابری به مقالات چاپ شده در نشریه‌های علمی معتبر *Science* و *Nature*. در مورد اول با توجه به این که هیچ اشاره‌ای به زبان مقاله نشده است، ممکن است افراد با پژوهشگران خارج از کشور که فارسی زبان هستند اقدام به چاپ مقاله مشترک نمایند. فارغ از این نکته و با فرض آن که کسی بخواهد با یکی از اعضای هیئت‌علمی خارج از کشور مقاله‌ای به زبان انگلیسی چاپ نماید، با توجه به انواع هزینه‌های مختلفی که فرآیند مقاله مشترک با اعضای هیئت‌علمی خارج از کشور به همراه دارد (از جمله زمان، هزینه هماهنگی و ...) و با توجه به این که درنهایت امتیاز تعلق گرفته به این کار مشترک تفاوت معناداری با امتیاز تعلق گرفته به یک کار مشترک فارسی با اعضای هیئت‌علمی داخلی ندارد، احتمال انجام چنین پژوهه مشترکی بسیار پایین است. بهاین ترتیب، با قیمت‌گذاری ناصواب مقالات چاپ شده در نشریه‌های علمی معتبر خارجی در آئین نامه، عملاً زمینه‌های انجام کار مشترک با دانشگاه‌های خارج از کشور بسیار کمرنگ شده است. نگاهی به مقالات چاپ شده مشترک اعضای هیئت‌علمی دانشکده‌های علوم انسانی و اجتماعی در ایران با همکاران خود در خارج از کشور گواه این مطلب خواهد بود.

تحلیل رفتاری اعضای هیئت‌علمی دانشکده‌های علوم انسانی و .../^{۱۵}

اما در مورد تشویق چاپ مقاله در نشریه‌های معتبر فوق‌الذکر توجه به چند نکته ضروری است. اولاً با توجه به تبصره موجود در این زمینه حداکثر امتیاز تعلق‌گرفته به مقالات چاپ شده در این نشریه‌های علمی معتبر ۱۴ خواهد بود. با توجه به رقابت بسیار بالایی که در دانشگاه‌های جهان برای چاپ مقاله در این نشریه‌ها وجود دارد، احتمال پذیرش و چاپ مقاله در آن‌ها بسیار پایین است. درنتیجه ارزش انتظاری امتیاز چاپ مقاله در این نشریه‌ها با فرض وجود مثلاً یک احتمال ۱۰ درصدی برای چنین امری، کمتر از امتیاز چاپ یک مقاله علمی- ترویجی یا یک مدخل در یک دانشنامه خواهد بود. به‌این‌ترتیب، بسیار بعید خواهد بود که یک عضو هیئت‌علمی عقلایی منابع کمیاب خود را به تلاش برای چاپ مقاله در نشریه‌های مذکور تخصیص دهد. ثانیاً، هرچند پژوهشگران با زمینه‌های علمی مختلف می‌توانند نتایج حاصل از پژوهش‌های خود را در قالب‌های مختلف در دو نشریه مذکور چاپ نمایند، اما نگاهی به چند شماره اخیر این دو نشریه علمی حاکی از آن است که بیشتر مقالات چاپ شده در آن‌ها مربوط به علوم پزشکی، علوم پایه و فنی است و به نظر می‌رسد سهم پژوهشگران علوم انسانی و اجتماعی در آن‌ها به‌طور نسبی کمتر است.^{۳۵}.

شکل ۱: تعداد نشریه‌های فارسی‌زبان مورد تائید وزارت (عطف) در رشته‌های منتخب دانشگاهی در سال‌های ۱۳۹۲ و

۱۳۹۷



منبع: معاونت پژوهشی وزارت (عطف)

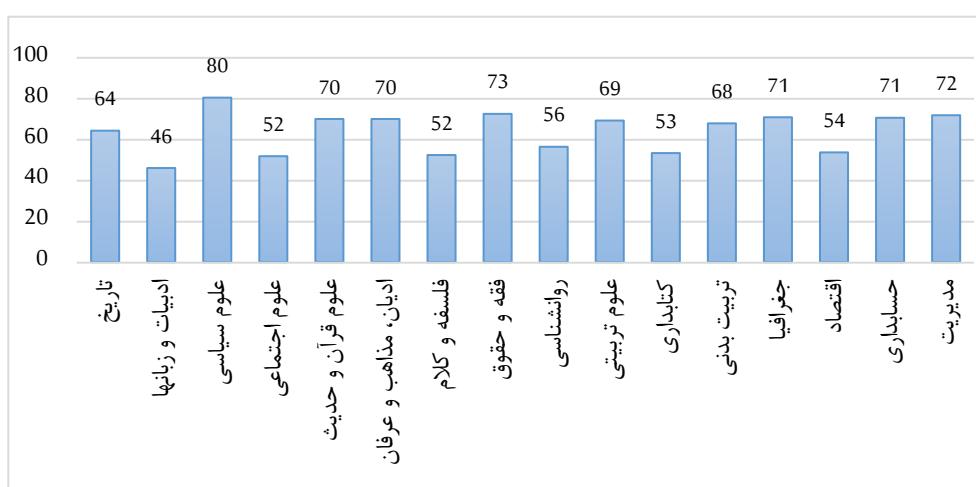
^{۳۵}. برای نگاهی به شماره‌های اخیر نشریه‌های نیچر و ساینس به لینک‌های زیر مراجعه کنید:

<http://science.sciencemag.org/content/361/6407>
<https://www.nature.com/nature/journal/v556/n7740/index.html>

۱۶/ فصلنامه علمی پژوهشی آموزش عالی ایران* سال دهم* شماره اول* بهار، ۱۳۹۷

«ویژه نامه آینین نامه ارتقاء و ارتقای اعضاي هيات علمي در آموزش عالي ايران: مسائل، پيامدها و چالش هاي مرتبط»

شكل ۲: سهم نشریات فارسی زبان مصوب در وزارت (عطف) که از سال ۱۳۸۹ و بعد از آن مصوب و فعالیت خود را آغاز کرده‌اند (واحد درصد)



منبع: معاونت پژوهشی وزارت (عطف)

عمق و سطح پژوهش

در بند ۱ ماده ۳، سیاست‌گذار آموزش عالی دغدغه‌هایی نیز در مورد تنوع مقالات چاپ شده هم از حیث موضوع و هم از حیث محل چاپ^{۳۶} مقالات داشته است. به طور مشخص بر نزدیک بودن موضوع مقالات چاپ شده به حوزه تخصصی^{۳۷} اعضاي هیئت علمي و عدم همپوشانی مقالات چاپ شده تأکید شده است. مطابق آئین نامه موجود، مقاله‌ای را می‌توان مستقل تلقی نمود که دارای همپوشانی کمتر از ۳۰ درصد باشد. همپوشانی بیش از ۷۰ درصد هیچ امتیازی را در بر نخواهد داشت و به همپوشانی‌های بین ۳۰ تا ۷۰ درصد نیز مناسب با میزان همپوشانی امتیاز داده خواهد شد. فارغ از دشواری‌های احتمالی بر سر راه تعیین میزان همپوشانی و با در نظر گرفتن سقف امتیاز برای مقالات چاپ شده (که حتی در صورت چاپ در یک نشریه بسیار معتبر بین‌المللی و پر استناد بودن، حداقل می‌تواند ۱۰.۵ امتیاز باشد) و لحاظ نگرانی‌های پژوهشگر در مورد همپوشانی احتمالی

^{۳۶}. به طور مشخص در بند ۱ آمده است که حداقل ۴۰ درصد امتیاز اکتسابی از محل بند ۱ ماده ۳ (چاپ مقالات علمی-پژوهشی معتبر داخلی و خارجی) می‌تواند از مقاله‌های پذیرفته شده یا چاپ شده در نشریه‌های موسسه محل خدمت متقارضی در زمان چاپ مقاله، یا نشریه‌هایی باشد که متقارضی در زمان چاپ مقاله، مدیرمسئول، سردبیر و یا عضو هیئت تحریریه آن بوده است. این میزان در آئین نامه ارتقاء ابطال شده سال ۱۳۹۴، ۲۵ درصد بود.

^{۳۷}. حداقل ۷۰ درصد امتیاز مقاله‌ها باید مستقیماً در ارتباط با تخصص (رشته تحصیلی/گروه آموزشی) متقارضی باشد.

در مقالاتش، ممکن است منجر به کاهش عمق پژوهش‌های صورت گرفته در رشته‌های مختلف دانشگاهی، اعم از علوم انسانی و غیرازآن گردد. درواقع، در این حالت پژوهشگران به جای افزایش عمق پژوهش‌های خود ممکن است ترجیح دهنده سطح پژوهش‌های خود را در حوزه تخصصی شان گسترش دهند. یک پژوهش عمیق که مستلزم پیگیری پژوهش‌های قبلی و تعمیق آن‌هاست و نتایج آن ممکن است در یک نشریه معتبر خارجی چاپ گردد، نه تنها امتیاز بیشتری نسبت به یک موضوع پژوهشی جدید که ممکن است در یک نشریه فارسی‌زبان چاپ شود دریافت نمی‌کند، بلکه ممکن است با برچسب همپوشانی و کاهش امتیاز از این محل نیز روبرو گردد. درنتیجه، به نظر می‌رسد خروجی این مکانیسم انگیزشی، پژوهشگرانی خواهد که ترجیح می‌دهند به جای عمق پژوهش، سطح آن را گسترش دهند که می‌توان آن‌ها را پژوهشگران افقی نامید. این عبارت در مقابل پژوهشگران عمومی قرار می‌گیرد که منابع کمیاب خود را صرف تعمیق پژوهش‌های گذشته خود می‌کنند به جای آنکه سطح و دامنه آن را گسترش دهند. به نظر می‌رسد خروجی آئین‌نامه موجود پژوهشگرانی افقی باشد. پژوهشگران عمومی ممکن است در سیستم کنونی حتی با تنبیه نیز روبرو شوند. رفتار عقلایی که به دنبال طی فرآیند ارتقاء با حداقل سرعت ممکن است، ایجاب می‌کند که رفتار پژوهشی افقی باشد.

چاپ کتاب به زبان فارسی و خارجی

یکی دیگر از محصولاتی که اعضای هیئت‌علمی عرضه می‌کنند کتاب است که در آئین‌نامه ارتقاء نیز برای آن امتیازاتی در نظر گرفته شده است. درحالی‌که تألیف کتاب به زبان فارسی می‌تواند حداقل ۱۰ امتیاز برای مؤلف در ارتقاء به همراه داشته باشد، امتیاز تألیف کتاب به زبان خارجی و نشر آن توسط یک ناشر معتبر بین‌المللی حداقل ۱۵ می‌تواند باشد. پیش‌شرط انتشار یک کتاب به زبان خارجی مطرح بودن نسبی مؤلف در آن حوزه تخصصی در سطح بین‌الملل است تا ناشر انگیزه داشته باشد کتاب وی را چاپ نماید. درواقع، مؤلف ابتدا با انتشار مقالاتی در نشریه‌های علمی مطرح بین‌المللی در آن حوزه خود را به مخاطبین معرفی می‌کند. اتفاقی که به دلیل عدم ارزش‌گذاری مناسب برای چاپ مقاله در نشریه‌های معتبر خارجی در آئین‌نامه ارتقاء هرگز اتفاق نیفتاده است. علاوه بر این و با فرض مطرح بودن مؤلف، تألیف کتاب به زبان خارجی هزینه‌های بیشتری (از جمله زمان) برای وی به همراه خواهد داشت. حال پرسش اساسی آن است که آیا اختلاف امتیاز موجود جهت تألیف کتب فارسی و انگلیسی در آئین‌نامه انگیزه کافی در افراد را ایجاد خواهد کرد تا چنین هزینه‌ای را مقبول شوند؟ به نظر می‌رسد پاسخ منفی باشد. به‌این‌ترتیب، آئین‌نامه موجود ابتدا با قیمت‌گذاری نامتناسب بر مقالات چاپ شده در نشریات علمی معتبر خارجی و داخلی مانع شکل‌گیری سرمایه انسانی در اعضای هیئت‌علمی به صورت ارائه نتایج پژوهش به زبان‌های رایج بین‌المللی می‌شود و پس از آن نیز بار دیگر با تکرار قیمت‌گذاری اشتباه در مورد کتب تألیفی به زبان فارسی و خارجی بر این چرخه معیوب دامن می‌زنند؛ بنابراین،

«ویژه نامه آینه ارتقاء و ارتقای اعضای هیأت علمی در آموزش عالی ایران: مسائل، پیامدها و چالش‌های مرتبط»

نتیجه طبیعی این امر آن است که تقریباً هیچ کتابی به زبان‌های خارجی در دانشکده‌های علوم انسانی و اجتماعی کشور عرضه نشود.

شرکت در کنفرانس‌های ملی و بین‌المللی

ارائه یک مقاله کامل و خلاصه در یک همایش معتبر ملی و بین‌المللی بدون نظر گرفتن زبان کاربردی در کنفرانس، به ترتیب حداقل ۲ و ۱ امتیاز خواهد داشت. علاوه برداشت مهارت کافی در نوشتن و ارائه یک مقاله به زبان خارجی، انواع هزینه‌های مبادلاتی^{۲۸} دیگری از جمله گرفتن ویزا، هزینه‌های سفر و ... برای شرکت در کنفرانس‌های بین‌المللی که در خارج از ایران برگزار می‌شوند وجود دارند. حال آنکه علیرغم وجود این تفاوت معنadar در هزینه‌های شرکت در کنفرانس‌های ملی و بین‌المللی خارج از کشور، سیاست‌گذار آموزش عالی قیمت (امتیاز) یکسانی برای آنها در نظر گرفته است. به این ترتیب، رفتار عقلانی ایجاب می‌کند تا افراد منابع کمیاب خود را صرف شرکت در همایش‌ها و کنفرانس‌های داخلی نمایند. علاوه بر دادن امتیاز برای ارائه مقاله (خلاصه و کامل) در ماده ۳، در ماده ۴ نیز به برگزارکنندگان این همایش‌ها و کنفرانس‌های داخلی نیز در قالب فعالیت‌های علمی امتیازاتی تعلق می‌گیرد؛ بنابراین، نسبت به همایش‌های بین‌المللی خارجی، همایش‌های داخلی درمجموع امتیازات بیشتری را نصیب افراد خواهد کرد که خود انگیزه برای برگزاری این قبیل همایش‌ها را افزایش خواهد داد. به نظر می‌رسد افزایش تعداد همایش‌های ملی در سال‌های اخیر نیز با چنین ملاحظه‌ای قابل توجیه باشد. البته که این امر خود می‌تواند منجر به کاهش تمایل به ارتباط با دنیای علمی خارج و انزوازی علمی افراد و دانشگاه‌ها گردد.

تحلیل در سطح کلان: به کجا می‌رویم؟

در بخش پیشین در چهارچوب نظریه انتخاب عقلانی، تحلیلی از رفتار اعضای هیئت‌علمی در واکنش به آئین-نامه ارتقای علمی ارائه شد. در این بخش سعی می‌کنیم که نشان دهیم تجمعی این رفتارهای در سطح خرد آموزش عالی ایران را در سطح کلان به کجا خواهد برد. به عبارت دقیق‌تر، در این بخش به دنبال تحلیل آثار آئین‌نامه ارتقاء در سطح کلان هستیم. همان‌طور که اشاره شد، یکی از رسالت‌های مهم دانشگاه در مسیر توسعه کشورها تربیت نیروی انسانی ماهر و متخصص است. به بیانی دیگر، آموزش یکی از مهم‌ترین محصولات نظام آموزش عالی است. از ترکیب امتیازات لازم برای هر دوره ارتقاء، انتظار می‌رود که اعضای هیئت‌علمی آموزشی حداقل یک‌سوم وقت خود را به عرضه آموزش منظم و با کیفیت تخصیص دهند. با در نظر گرفتن این نکته که مجموع امتیازات مستقیم و غیرمستقیم اکتسابی از ارائه آموزش در مقاطع تحصیلات تکمیلی نسبت به مقاطع

۲۸. Transaction Costs

کارشناسی بیشتر است، اساتید باسابقه که احتمالاً از قدرت چانه‌زنی بالاتری نیز در تصمیم‌گیری برای انتخاب واحدهای درسی خود برخوردارند، تعامل کمتری به ارائه آموزش در مقطع کارشناسی خواهند داشت. این به معنای کاهش کیفیت آموزشی در این مقطع است که مانع از دستیابی دانشگاه به یکی از مهم‌ترین اهداف خود که همانا تربیت نیروی انسانی ماهر و متخصص است خواهد شد.

در مورد پژوهش نیز با توجه به تحلیل‌های صورت گرفته در بخش قبلی، درمجموع می‌توان گفت با توجه به مکانیسم انگیزشی ایجادشده توسط بند ۱ ماده ۳ آئین‌نامه ارتقاء، اعضای هیئت‌علمی که به دنبال حداکثر کردن سرعت فرآیند ارتقای علمی خود هستند، ترجیح می‌دهند تا در عرضه محصولات پژوهشی، منابع کمیاب خود را به چاپ مقالات و کتب فارسی در زمینه‌های مختلف در حوزه‌های تخصصی خود تخصیص دهند. علاوه بر این، بسیار بعيد است تا اعضای هیئت‌علمی زمان و انرژی کمیاب خود را صرف نوشتن مقاله در نشریات معتبر خارجی و یا کتاب خارجی بهصورت انفرادی و یا مشترک با اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌های خارج از کشور نمایند. نتیجه چنین امری عرضه بیشتر مقالات و کتب به زبان فارسی و عدم تعامل با جامعه علمی بین‌المللی است. ضمن آنکه نتایج حاصل از پژوهش‌های صورت گرفته توسط اعضای هیئت‌علمی در دانشگاه‌های ایران فرصت کمتری برای بحث و واکاوی در کنفرانس‌ها و همایش‌های بین‌المللی را پیدا خواهد کرد که گامی دیگر در جهت انزوازی بیشتر علمی دانشگاه‌های کشور است. در این حالت بخش قابل توجهی از منابع صرف برگزاری همایش‌های داخلی و ملی خواهد شد.

با در نظر گرفتن مکانیسم انگیزشی موجود در آئین‌نامه ارتقاء، به نظر می‌رسد هر نوع تخصیص منابع کمیاب و سرمایه‌گذاری در جهت شکل‌گیری مهارت‌هایی نظری نوشت و مکالمه به زبان‌های رایج علمی توجیه خود را از دست خواهند داد. افراد عقلایی در مهارت‌هایی سرمایه‌گذاری می‌کنند که در آینده برای آن‌ها منفعتی به همراه داشته باشد. به‌این ترتیب و با در نظر گرفتن مکانیسم‌های انگیزشی موجود جهت شکل‌گیری سرمایه انسانی در افراد، انتظار می‌رود که در دانشکده‌های علوم انسانی و اجتماعی کشور، اعضای هیئت‌علمی را داشته باشیم که اغلب صرفاً در سطح ملی قادر به ادامه فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی خود هستند که می‌توان آن را در عصر جهانی‌شدن به‌ماثله یک انزوازی علمی تلقی نمود. در این حالت مرسوم‌ترین کanal ارتباطی با جهان علمی بیرونی، صرفاً ترجمه‌ نوع کتب خارجی به زبان فارسی است که از قضا برای انجام چنین فعالیتی در آئین‌نامه ارتقاء امتیاز نیز در نظر گرفته شده است.^{۳۹} به باور نگارندگان، مهم‌ترین تأثیر آئین‌نامه ارتقای کنونی دامن زدن به انزوازی علمی دانشکده‌های علوم انسانی و اجتماعی کشور است.

بحث و نتیجه‌گیری

^{۳۹}. ترجمه یک کتاب مرتبط با تخصص تا ۷ امتیاز می‌تواند باشد.

«ویژه نامه آئین نامه ارتقاء و ارتقای اعضای هیأت علمی در آموزش عالی ایران: مسائل، پیامدها و چالش‌های مرتبط»

دانشگاه‌ها با عرضه آموزش عالی و پژوهش در سطوح تخصصی نقشی بی‌بديل در توسعه کشورها بازی می‌کنند. بی‌شک مهم‌ترین نهاده تولیدی در عرضه آموزش و پژوهش در دانشگاه‌ها اعضای هیئت‌علمی هستند که خود حکایت از اهمیت بالای نحوه جبران خدمات و تنظیم‌گری ارتقای علمی آن‌ها دارد. با توجه به کمیابی و محدودیت منابع اعضای هیئت‌علمی جهت تخصیص در آموزش و پژوهش و با فرض وجود رفتار عقلایی در فرآیند ارتقای علمی که به منزله طی کردن فرآیند ارتقای علمی با حداکثر سرعت و کمترین هزینه است، مکانیسم انگیزشی موجود در آئین نامه ارتقاء نقش مهمی در کمیت و کیفیت فعالیت‌های صورت گرفته توسط اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌ها بازی خواهد کرد.

آئین نامه ارتقای اعضای هیئت‌علمی در دانشگاه‌های ایران توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی مصوب و توسط وزارت علوم به دانشگاه‌ها و مؤسسه‌ات آموزش عالی که تحت نظر آن وزارت‌خانه هستند ابلاغ می‌شود. آئین نامه کنونی که از نظر ساختاری شباهت‌های فراوانی به آئین نامه‌های پیش از خود دارد، در اوایل سال ۱۳۹۴ مصوب و از مهر ۱۳۹۵ لازم‌الاجرا بوده است. هدف آئین نامه‌های مذکور تخصیص زمان و انرژی اعضای هیئت‌علمی به دامنه‌ای از فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی، اجرایی و فرهنگی بوده است. مکانیسم انگیزشی ایجادشده توسط آئین نامه ارتقاء و واکنش عقلایی اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌ها آثاری در سطح کلان داشته است که به نظر می‌رسد برای خود سیاست‌گذار آموزش عالی نیز غیرمنتظره باشد. از جمله مهم‌ترین این آثار می‌توان به کاهش کیفیت آموزش در مقطع کارشناسی و انسوای علمی دانشکده‌های علوم انسانی و اجتماعی در محافل عملی بین‌المللی اشاره کرد.

مهم‌ترین نقطه ضعف آئین نامه ارتقای علمی در ایران یکسان در نظر گرفتن تمام رشته‌های دانشگاهی اعم از علوم انسانی و اجتماعی و غیرازآن با یکدیگر و ارائه یک نسخه واحد ارتقای علمی در آن‌ها است. البته این یکسان‌پنداری در جهتی بوده است که به نظر می‌رسد سیاست‌گذار آموزش عالی در تنظیم آئین نامه بیشتر متاثر از فضای آموزش و پژوهش در علوم فنی و پایه بوده است و سعی کرده است فضای حاکم بر این رشته‌ها را به علوم انسانی و اجتماعی تعمیم دهد به این امید که پژوهشگران در این رشته‌ها نیز بتوانند مقالات خود را در نشریات معتبر بین‌المللی چاپ نمایند. عدم درک درست از ماهیت علوم انسانی و یکسان در نظر گرفتن آن‌ها با علوم فنی و پایه منجر به کاهش کیفیت پژوهش در حوزه علوم انسانی و اجتماعی در ایران شده است. ماحصل آئین نامه کنونی طولانی شدن لیست مقالات چاپ شده (عمدتاً به زبان فارسی) توسط اعضای هیئت‌علمی دانشکده‌های علوم انسانی و اجتماعی به هزینه کاهش عمق پژوهش صورت گرفته توسط آن‌ها بوده است. امروز به‌جرئت می‌توان گفت با پدیده پژوهشگران افقی در حوزه علوم انسانی و اجتماعی رویرو هستیم

که به شدت نگران تعداد مقالات چاپ شده خود هستند نه عمق پژوهش‌هایی که انجام می‌دهند. علت نیز روشن است؛ ارزیابی صورت گرفته از آن‌ها قادر به تشخیص عمق نبوده است.

تنظیم آئین‌نامه ارتقای علمی در ایران را می‌توان مشابه یک برنامه‌ریز مرکزی^۴ در نظر گرفت که به‌زعم خود سعی در تخصیص بهینه منابع کمیاب دارد. البته در این مورد نیز برنامه‌ریز مرکزی مانند هر برنامه‌ریز مرکزی دیگری در هر حوزه‌ای محکوم به شکست است. علت شکست نیز نداشتن اطلاعات کافی در مورد تمام رشته‌های علمی و دانشگاهی توسط تعدادی محدود از تنظیم‌کنندگان آئین‌نامه ارتقاء است که می‌توان گفت سیاست‌های پیشنهادی آن‌ها در فرآیند ارتقاء علمی به‌طور ناخودآگاه بیشتر متأثر از حوزه‌ای بوده است که خود در آن پژوهش داشته‌اند. راه حل برونو رفت از شرایط کنونی دقیقاً به رفع مهم‌ترین نقطه ضعف آئین‌نامه کنونی پیوند خورده است: رفع تمرکزگرایی در ارزیابی علمی و دادن اختیار آن به متخصصین هر رشته که شناختی دقیق از ماهیت و فرآیند پژوهش در آن رشته دارند. رویه‌ای که در تقریباً تمام دانشگاه‌های کشورهای پیشرفت‌هه دنیا مرسوم است. به سختی بتوان تجسم کرد که یک متخصص در رشته شیمی آئین‌نامه ارتقای علمی پژوهشگران در رشته حقوق را تنظیم نماید و بالعکس، به نظر می‌رسد تمرکزگرایی در ارزیابی علمی مهم‌ترین آفت پژوهش در دانشکده‌های علوم انسانی و اجتماعی بوده است که طبق شواهد تحصیل‌کردگان این رشته‌ها کمترین نقش را در تنظیم آئین‌نامه ارتقای علمی در ایران داشته‌اند. در یک سناریوی ایدئال که تمرکزدایی در ارزیابی علمی صورت گرفته است، متخصصین هر رشته با شناخت نشریات معتبر علمی بین‌المللی آن رشته، با دقت بیشتری می‌توانند امتیازی متناسب با ارزش مقالات چاپ شده در این نشریات تنظیم نمایند که خود انگیزه برای چاپ مقالات در این نشریه‌ها را افزایش خواهد داد. تنها در این حالت است که می‌توان امیدوار بود دانشکده‌های علوم انسانی و اجتماعی نقش بیشتری در ارتقاء رتبه بین‌المللی دانشگاه‌های کشور بازی کنند. در شرایط کنونی و با آئین‌نامه ارتقای فعلی، چنین امری یک امید واهی و دور از واقعیت است.

منابع

یاستانی، پیوند، میترا امینی، علی طاهرنژاد، نیره‌السادات روح‌اللهی (۱۳۹۳)، دیدگاه اعضای هیئت‌علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران در مورد نظام ارزشیابی استاد: مطالعه کیفی، فصلنامه علمی دانشگاه علوم پزشکی تربیت‌حیدریه، دوره‌ی دوم، شماره ۱.

توقونچی، مینا؛ یمانی، نیکو؛ طالقانی، فربیا؛ چنگیز، طاهره (۱۳۹۳). ارزیابی شاخص‌های خدمات اجرایی ارتقای مرتبه علمی: دیدگاه اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌های علوم پزشکی ایران. توسعه آموزش در علوم پزشکی، ۷ (۱۴)، ۳۰-۲۰.

- ۲۲ / فصلنامه علمی پژوهشی آموزش عالی ایران* سال دهم* شماره اول* بهار، ۱۳۹۷
 «ویژه نامه آینه ارتقاء و ارتقای اعضای هیأت علمی در آموزش عالی ایران: مسائل، پیامدها و چالش‌های مرتبط»
 _ جاوادی، حمید (۱۳۹۵). راهنمای بازاریابی نظام پاداش‌دهی و کارراه‌های اعضای علمی نهادهای تولید دانش ایرانی. موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- _ خطیبان، مهناز، مهرنوش پازارگادی، طاهره اشک تراب (۱۳۹۳)، مطالعه تطبیقی نظامهای ارزشیابی عملکرد اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های مختلف جهان بر اساس الگوی تشخیصی: تحلیل کیفی محتوا، مجله گام‌های توسعه در آموزش پژوهشکی، دوره یازدهم، شماره اول.
- _ سعادت طلب، آیت، کورش فتحی و اجارگاه، مقصود فراستخوان، اباصلت خراسانی (۱۳۹۳)، بررسی موضع آموزش و بهسازی اعضای هیئت‌علمی در دانشگاه‌های دولتی شهر تهران (مطالعه کیفی) فصلنامه مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی، سال چهارم، شماره ۶.
- _ عبداللهی، حسین (۱۳۹۱)، تحلیل سازوکار ارزشیابی عملکرد آموزشی اعضای هیئت‌علمی: مطالعه موردی دانشگاه علامه طباطبائی، فصلنامه مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی، سال سوم، شماره ۳.
- _ علوی، سید بابک و آرین قلی پور (۱۳۸۸)، شناسایی عوامل مؤثر بر رفتارهای فراتر از نقش اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌ها: مطالعه‌ای در دانشگاه صنعتی شریف، فصلنامه علوم مدیریت ایران، سال چهارم، شماره ۱۴.
- _ فاتحی، احمد؛ محمدی فاطمه (۱۳۸۷). ارائه مدلی جهت نهادینه کردن ارزیابی عملکرد اعضای هیئت‌علمی در دانشگاه‌ها به عنوان پیش‌نیاز تدوین نظام پرداخت بر مبنای شایستگی، فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی، شماره ۱۰، فروردین ۱۳۸۷، ۹۹-۱۲۰.
- _ قاسمی، مجید؛ صالحی، کیوان (۱۳۹۶). آسیب‌شناسی موضع و چالش‌های فعالیت اعضای هیئت‌علمی جدید‌استخدام، فصلنامه علمی پژوهشی آموزش عالی ایران، ۹(۲)، ۸۱-۱۰۳.
- _ کریمی مونقی حسین؛ زیانی فرد، اکرم؛ جعفرزاده، حمید؛ بهنام، حمیدرضا؛ توکل افشاری، جلیل (۱۳۹۳). تجربیات اعضای هیئت‌علمی از روند ارتقای مرتبه علمی. نشریه گام‌های توسعه در آموزش پژوهشکی، ۱۱(۴)، ۴۸۵-۴۹۹.
- _ محب‌زادگان، یوسف، محمدحسن پرداخت‌چی، محمد قهرمانی، مقصود فراستخوان (۱۳۹۲)، تدوین الگویی برای بالندگی اعضای هیئت‌علمی با رویکرد مبتنی بر نظریه داده بنیاد، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش پژوهشکی، ۷۰(۴)، ۱-۷۰.
- _ نوروزی، عباسعلی، محمود ابوالقاسمی، محمد قهرمانی (۱۳۹۴)، بررسی موضع تولید علم از دیدگاه اعضای هیئت‌علمی دانشگاه شهید بهشتی، فصلنامه رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، سال ششم، شماره ۲.
- _ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، آینه‌نامه ارتقای اعضای هیئت‌علمی مصوب سال‌های ۱۳۸۷، ۱۳۹۱، ۱۳۹۴، ۱۳۹۵، ۱۳۹۷.
- _ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، آئین‌نامه دوره دکتری مصوب سال ۱۳۸۹

_ <http://science.sciencemag.org/content/361/6407>

_ <https://www.nature.com/nature/journal/v556/n7700/index.html>

